روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir
سه‌شنبه • ۱۶ تیر ۱۳۹۴ • ۲۰ رمضان ۱۴۳۶ • ۷ جولای ۲۰۱۵ • سال دوازدهم • شماره ۲۳۴۳ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۹ • اذان مغرب ۲۰:۴۴ • اذان صبح‌فردا ۴:۱۰ • طلوع آفتاب ۵:۵۵
روزنامه فردا
fardashargh@gmail.com

گفتار

مسائل تحریم پراهمیت‌تر از مذاکرات هسته‌ای



رضا امیرخانی

● به گمان من مذاکره را چندان نمی‌توان مقید به قید و قبود کرد. به نظر می‌رسد قسمت هسته‌ای مذاکره چندان قسمت مهمی نباشد. برای ما قاعدتا مسائل مرتبط با تحریم پراهمیت‌تر است. از آن‌سو، آیا همه تحریم‌ها با مسائل هسته‌ای مرتبط است؟ شاید عده‌ای مایل باشند مذاکره را ملی بدانند. بعضی تناظرات میان شخصیت‌های تاریخی و مذاکره‌کننده‌های ایرانی چنین تصویری را بازنمایی می‌کند. من با همه اطمینان و ارادتی که به این تیم در قیاس با تیم‌های دیگر در ادوار سیاسی دیگر دارم، این مذاکره را یک مذاکره ملی نمی‌دانم. برخلاف تصور رایج، بسیاری از مذاکرات تاریخی دیگر با قید ملی را نیز کاملا ملی نمی‌دانم. هدف این مذاکره، قبل از هرچیز، فروش نفت و دریافت مطالبات معوق است که نیاز اصلی دولت است. پس مذاکره بیش از آنکه ملی باشد، دولتی است. البته طبعا از تکاندن سفره دولت چیزی هم به ملت خواهد رسید. اگر مذاکره ملی بود، اولین هدف مذاکرات، رفع تحریم‌های بانکی می‌شد تا بخش خصوصی بتواند در شرایط ضعف اقتصادی دولت خود را در معرض بازار جهانی بالا بکشد. اما واقعیت این است که این موضوع در اهداف دست اول مذاکره‌کننده‌ها اولویت ندارد. این وسط ظریفه‌ای هم پنهان است. تیم روبه‌رو نیز هیچ تمایلی به بالاکشیده‌شدن ملت ایران ندارد. چراکه قسمت مردمی نظام هرچه پررنگ‌تر شود، دست مذاکره‌کننده ایرانی پرتر خواهد شد. روبه‌روبی نیز هرگز از حل مسئله تحریم‌های بانکی به‌نفع مردم ایران استقبال نمی‌کند!

نکته

آشغال‌های زدوده‌شده بازی

ابراهیم عمران

● در شب باخت تیم ملی والیبال و در اوج ناراحتی از عدم صعود به دوره بعد و یاری‌نکردن «صندلی لهستانی» به تیم ما، حرکتی درخور توجه از سوی عده‌ای از دوستداران محیط‌زیستی انجام پذیرفت که جا داشت موردتوجه بیشتری قرار می‌گرفت. گویا این پالایندگان محیط، دست‌به‌دست هم دادند و سالن مسابقه را در انتهای بازی از آشغال‌ها و زباله‌ها زدودند؛ کرداری که مابه‌ازای آن را در مسابقات جام جهانی فوتبال و از سوی ژاپنی‌های طرفدار محیط‌زیست، مشاهده کرده بودیم که بازتاب رسانه‌ای فراوانی حتی در داخل کشورمان نیز داشت. اگر چنین حرکاتی که دال بر پاکیزگی محیط است از سوی ما صورت گیرد و ادامه‌دار و دارای منطق درستی هم باشد، می‌توان امیدوار بود آراستن محیط، این گوهر فراموش‌شده نزد شهروندان، افق روشنی درخواهد یافت. کردارهای این‌چنینی شاید در کوتاه‌مدت موردتوجه رسانه‌های «سیاست‌زده» این روزها قرار نگیرد و جای تعجب هم نیست که شاکله این رسانه‌ها بر مداری شکل گرفته که این‌گونه خبرها جایی در صفحه‌های آنان پیدا نمی‌کند. ولی نباید از اهمیت آن برای فاعلانش کم شود که بیشتر در این راه بکوشند و با هر ابزاری که در دست دارند، در نشان‌دادن خود کوشش کنند که لامحاله جائی و مکانی، قدر کار خویش خواهند دید و بستری هم فراهم خواهد آمد که همگان در این مسیر قرار گیرند و در پیرامون خود هم این کردار پسندیده را نشر و گسترش دهند که پاکیزگی محیط، لاجرم پاکیزگی روح را به ارمغان می‌آورد که فواید آن، بر همگان روشن است.

اتفاق

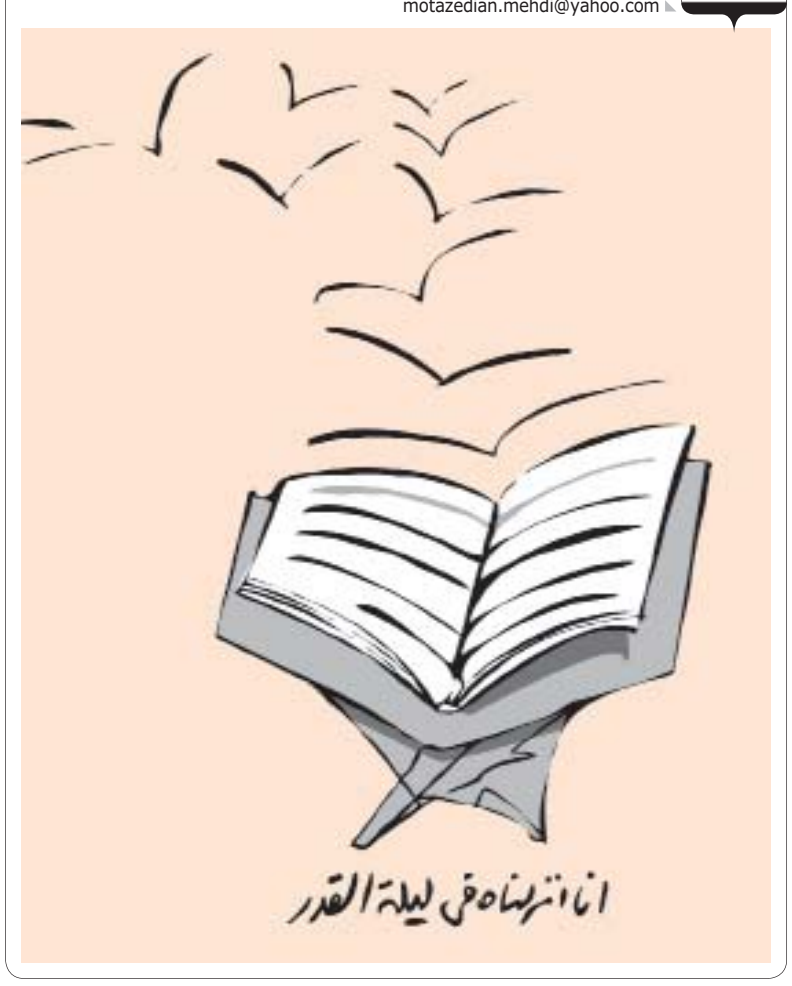
محیط‌زیست در نمایشگاه قرآن

● **شرق:** اگر ۲۰ میلیون خانوار ایرانی هرروز در مصرف یک کیسه نایلونی صرفه‌جویی کنند، سالانه هفت میلیاردو ۲۰۰ میلیون کیسه نایلون صرفه‌جویی می‌شود. با توجه به اینکه نایلون در طبیعت تجزیه نمی‌شود، با انجام این کار می‌توان به حفاظت از محیط‌زیست کمک کرد. با توجه به این نکته، غرفه سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی، بازدیدکنندگان از بیست‌وسومین نمایشگاه بین‌المللی قرآن را با آیاتی از قرآن که بر حفاظت از محیط‌زیست تأکید کرده، آشنا می‌کند. این غرفه برنامه‌های متنوعی را برای ترویج فرهنگ حفاظت از محیط‌زیست در میان بازدیدکنندگان به اجرا گذاشته. حسین عبیری‌گلپایگانی، فعال محیط‌زیست و مسئول این غرفه، با اشاره به برنامه «روز بدون نایلون» در نمایشگاه قرآن و کشور گفت: «با توجه به تأکیدات مذهبی که روی حفظ منابع طبیعی وجود دارد، در این غرفه سعی داریم توجه بازدیدکنندگان را به راهکارهای ساده حفاظت از محیط‌زیست جلب کنیم». به بازدیدکنندگان از نمایشگاه قرآن توصیه می‌شود در روز ۲۱ تیر از گرفتن کیسه‌های نایلونی از فروشندگان خودداری کرده و هنگام خرید با خود کیسه پارچه‌ای همراه داشته باشند.

کارتون خواب



دیان
motazedian.mehdi@yahoo.com



کودکی

روز ملی ادبیات کودک در ایران



محمدهادی محمدی

یکی از آسیب‌هایی که کم‌وبیش در همه سطوح دامنگیر جامعه ماست، گسست و گسل‌هایی است که میان یک تصمیم نابجا یا نادرست با موضوع تصمیم رخ می‌دهد. اگر این تصمیم نادرست یا نابجا در حوزه فرهنگ رخ دهد، می‌تواند پیامدهای ناگواری داشته باشد. سبب این‌گونه تصمیم‌گیری‌ها این است که تصمیم‌گیران در این هنگام جوزده می‌شوند و با سازمان‌های مدنی یا کارگزاران آن رشته به‌درستی ارتباط برقرار نمی‌کنند. چندسال پیش از این در شورای فرهنگ عمومی کشور روز تصمیم‌گیری برای ادبیات کودکان فرارسید و باوجود مخالفت گسترده گروهی از همکاران و دوستان در انجمن نویسندگان، روز ۱۸ تیر به‌عنوان روز ملی ادبیات کودکان ایران نام‌گذاری شد. نامناسب‌بودن این انتخاب دو وجه داشت که با گذشت این سال‌ها کم‌کم عوارض و نادرستی و نابجایی این تصمیم دارد خودش را نشان می‌دهد. البته برای کسانی که دور میز نشستند و این تصمیم را گرفتند، شاید بود و نبود این روز و چگونه‌برگزارشدن آن چندان مهم نباشد، چون آنها می‌خواستند که فقط یک روز را در تقویم کشور ثبت کنند، اما برای کسانی که هرروزه با موضوع کودک و ادبیات کودکان سروکار دارند، درستی این انتخاب بسیار مهم است.

دلیل اول برای نادرستی و نابجایی انتخاب این روز، روز درگذشت مهدی آذریزدی، نویسنده نام‌آشنای ادبیات کودکان ایران، است. همان زمان ما به‌عنوان نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان انتخاب روز مرگ یک نویسنده را به‌عنوان روز ملی ادبیات کودک نامناسب دانستیم، زیرا کودکان که هسته زندگی هستند، تازه در حال روییدن و شکوفیدن‌اند و درست نیست هنگامی که درباره این روز با آنها سخن می‌گوییم، از روز مرگ مهدی آذریزدی سخن بگوییم. به‌ویژه آنها که چون من با آذریزدی پیوند نزدیک داشتند و با روحیه و منش او آشنا بودند می‌دانند که چقدر برای او مهم بود که کودکان روز خود را با شادی شروع کنند و اگر قرار باشد جشنی به نام روز ملی ادبیات کودک گرفته شود، با نام مرگ او گرفته نشود و دست‌کم با نام زندگی او گرفته شود. بسیاری از روزهای دیگر و بسیار زادروزها بود که می‌توانست روز ملی ادبیات کودکان شود. اگرچه زادروز خود آذریزدی در روزهای پایانی اسفند باز مناسب نبود و توجه مردم به تعطیلات نوروزی بود. اما کسانی دیگر مانند جبار باغچه‌بان بودند و هستند که زادروزشان در ۱۹ اردیبهشت‌ماه از زمان‌های بسیار مناسب برای نام‌گذاری این روز است.

دلیل دیگر و بسیار مهم‌تر از اولی این است که روزهای تابستانی به‌هیچ‌وجه برای برگزاری روز ملی ادبیات کودک در ایران مناسب نیست. مدرسه‌ها تعطیل است. و اگر قرار باشد که ما روزی را به‌گونه ملی برگزار کنیم، باید که این روز در بیش از ۱۲۰ هزار مدرسه ایران برگزار شود. حتی اگر تنها قرار بود برای این روز پوستر چاپ شود، باید این پوسترها بر در و دیوار مدرسه‌های شهری و روستایی زده می‌شد و در هر مدرسه آموزگار یا کتابداری درباره این روز با کودکان و نوجوانان سخن می‌گفت. این کار که در میانه تابستان شدنی نیست. بنابراین آیا آنها که این روز را به‌عنوان روز ملی ادبیات کودکان برگزیده‌اند، نمی‌دانستند ادبیات کودکان پیوندی ناگسستنی با نظام آموزش‌وپرورش دارد و باید این روز بهانه‌ای شود برای ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی و ادبیات کودکان در نظام آموزش‌وپرورش بیگانه با کتاب؟ جدای از اینها، اگر قرار بود برخی از رخدادهای ادبیات کودکان مانند سمینارها یا نشست‌ها یا آیین‌ها را در این روز برگزار کنیم، باز این روز مناسب این کار نبود. از قضا دبیر شورای کتاب کودک که در روزهای اخیر برای بررسی برگزاری مراسم جایزه مهدی آذریزدی در روز ملی ادبیات کودکان به یزد سفر کرده بود، چنان گرمای هوا را طاقت‌فرسا می‌دانست که بهتر دانست مراسم این جایزه در روزهایی برگزار شود که هوای خوش بتواند خاطره‌های خوب برای میهمانان مهدی آذریزدی در شهر یزد فراهم کند.

پیشنهاد

● امروز سه‌شنبه ۱۶ تیرماه مجموعه سخنرانی‌های انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی با عنوان «آینه‌ای آگاه» به پایان می‌رسد. دکتر «محمدمجتهد شبستری» امروز به‌عنوان آخرین سخنران با موضوع «انسانی‌سازی علوم اسلامی (نگاهی به تفکر دینی و نهاد دینی در ایران معاصر)» صحبت خواهد کرد. این برنامه سومین سخنرانی مجموعه «آینه‌ای آگاه» است که به مناسبت ماه مبارک رمضان و در شب‌های قدر برگزار می‌شود. سخنرانی از ساعت ۱۸:۳۰ آغاز می‌شود و تا افطار ادامه دارد و شرکت‌کنندگان به صرف افطار هم دعوت هستند.

مذاکرات

راه دشوار گفت‌وگو



محمدمهدی عسگرپور

سلام قولا من رب رحیم

با مرور تاریخ و مطالعه مبانی اسلام، به‌راحتی می‌توان پی برد که باوجود وقوع جنگ‌ها و منازعات فراوان در طول تاریخ اسلام، جوهره غیرقابل انکار دین اسلام و خصوصا مذهب شیعه، گسترش صلح و فضای گفت‌وگو و تفاهم با سایر اقوام و ملل است. اشارات مکرر در قرآن کریم که پیامبر(ص) را به تذکر فرمان می‌دهد و در شرایط خاص دستور به حضرت‌موسی (ع) و برادرش هارون برای گفت‌وگو با فرعون، آن‌هم با قولی نرم، تنظیم معاده با سرکرده کفار از سوی پیامبر اسلام(ص) و پایبندی به آن، حفظ خون مسلمانان در دوره صلح امام‌حسن‌مجتبی(ع)، برداشتن بیعت از هم‌پیمانان توسط امام‌حسین (ع) در زمانی که ناگزیر به نبردش کردند، آن‌هم برای حفظ خون مسلمانان، همه‌وهمه گواه آن است که برخلاف تصویری که بعضا رسانه‌های جهان غرب از دین اسلام می‌سازند، این دین، دین گفت‌وگو و مدارا و صلح است.

سال‌هاست رسانه‌های غربی به اشکال مختلف تصاویری از کشورمان ساخته‌اند که در آن بی‌خردی و بی‌منطقی حرف اول را می‌زند و این فضاسازی که در دایره فرهنگ قرار دارد، با گسترش فضای عقلانی و منطقی توسط ایرانیان، مشکل جدیدی پیدا می‌کند. کمااینکه از زمان برقراری گفت‌وگوهای مسئولان سیاست خارجی کشورمان با همتایان اروپایی و آمریکایی‌شان شاهد این دگرگونی که تأثیرات مهم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دارد، هستیم.

تردیدی نیست که این راه دشوار، مخالفانی جدی هم دارد؛ آنانی که حتی آیاتی مثل «اذهبا الی فرعون انه طغی فقولا له قولا لینا لعله یتذکرأو یخشی» را با چاشنی بوی باروت تفسیر و معنی می‌کنند. ولی هرچه هست، دست تقدیر چنان رقم زده که فعلا اصلی‌ترین راه همان بهترین راه است. ان‌شاءالله بتوانیم از این فرصت استفاده درست ببریم.

سوره طه ۴۴-۴۳

جوابیه

خوارزمی به سازمان تبلیغات اسلامی واگذار نشده است

● **شرق:** روابط‌عمومی انتشارات خوارزمی خبر واگذاری سهام‌های آن به سازمان تبلیغات اسلامی را در جوابیه‌ای به روزنامه «شرق» تکذیب کرد. خبرگزاری مهر مورخ ۲۷ خرداد ۱۳۹۴ خبری با این عنوان که «سهام اکثریت انتشارات خوارزمی به سازمان تبلیغات اسلامی واگذار شد» منتشر کرد. براساس این خبر، اظهارنظرهایی از سوی افراد مختلف صورت گرفت. روزنامه «شرق» نیز در شماره ۲۳۳۷ مطلبی با عنوان «سرنوشت کتاب‌های انتشارات خوارزمی چه می‌شود؟» چاپ کرد. انتشارات خوارزمی جوابیه‌ای برای روزنامه «شرق» فرستاده و در آن نوشته است: «۱- تا این تاریخ (۱۳۹۴/۴/۱۵) هیچ تغییر و تحولی در مدیریت شرکت سهامی انتشارات خوارزمی به عمل نیامده و این شرکت کماکان براساس رویه سابق به خدمات و فعالیت‌های فرهنگی خود مشغول می‌باشد. ۲- طبق اعلام وکیل شرکت آقای علی کاکاافشار، دادگاه محترم تجدیدنظر مربوطه تاکنون (۱۳۹۴/۴/۱۵) درمورد پرونده مطروحه بین شرکت انتشارات خوارزمی و سازمان محترم تبلیغات اسلامی تصمیمی نگرفته و حسب اعلام وکیل مذکور مطالب مندرج در رسانه‌های عمومی به‌نقل از سازمان تبلیغات اسلامی دایر به اتخاذ تصمیم و صدور حکم به‌نفع سازمان مذکور و ارسال آن برای اجرا به دادگاه بدوی، خلاف واقعیت است و کذب می‌باشد». در خبر خبرگزاری مهر آمده است: «رئیس سازمان تبلیغات اسلامی از رأی نهایی دادگاه تجدیدنظر مبنی‌بر انتقال سهام اکثریت انتشارات خوارزمی به سازمان تبلیغات اسلامی خبر داد». او در این گفت‌وگو تأکید کرده بود: «دادگاه سهام اکثریت را به سازمان واگذار کرده است و حکم برای اجرا رفته است».

پرسه

آن ضریح نخستین در شهری به نام نجف

● **سعید برآبادی:** نجف شهر اسطوره‌هاست؛ اسطوره‌ای‌تر از کوفه که کوچک است و تلخ و ناجوانمرد. نجف، بزرگ است، بزرگ نبوده، بزرگی را در آن به خاک سپرده‌اند و حالا عریض و طویل شده، تجاری شده، صنعتی هم لابد! اما قلب تپنده‌اش هنوز بارگاه اوست؛ بازارها از سراسر شهر تاب می‌خورند تا به ضریحش برسند، بزرگ‌ترین قبرستان جهان در کنارش آرمیده، با پیغمبران و شایستگان و او، شهید زنده‌ای است که در نجف ایستاده و شاهد فروپاشی تمدن بزرگ بین‌النهرین است. زائران امام اول، برای دیدنش از هزار گیت عبور می‌کنند، از هزارویک ایست بازرسی که اتوبان‌های منتهی به نجف را احاطه کرده. از فرودگاه ۱۰دقیقه‌ای بیشتر تا حرم راه نیست، اما آن‌قدر ایست بازرسی هست که برای رسیدن، اشتیاق دیوانه‌وار با گرمای نجف گره می‌خورد و زائران را به صدا درمی‌آورد. درست شبیه دُرِ نجف که سوغاتی ایرانی‌هاست از آن خطه، شهر بر فراز تپه‌های کوتاهی قرار گرفته و می‌درخشد. خیابان‌های منتهی به حرم؛ همان‌هایی که به میدان جمهوری و خیابان آزادی می‌رسند، شیک و مجلسی شده‌اند، با چند برند معتبر. از مسجدهای معروف، هر یک راهی تا حرم هست که زائران پیاده آن را گز می‌کنند، سوغاتی می‌خرند، می‌ایستند، نماز می‌خوانند و زیر سایه‌های نخل می‌نشینند. شهری که زمانی یک نگین معماری بی‌نظیر بوده، امروز در آستانه فراموشی است؛ خانه‌ها ویران شده‌اند، معماری عربی شهر در حال نابودی است و خانه‌هایی که متولد شده‌اند کاملا معمولی و سرامیک‌شده‌اند. نخل‌ها به خارج از شهر رفته‌اند و خیابان‌ها در حال آسفالت‌کشی تازه‌اند. دور حرم اما همان است که بود، همان بازارها و بازارچه‌ها با سوغاتی‌های گران‌قیمت و زائرانی که نه از گرما می‌نالند و نه از شلوغی. امیدوار به زیارت امیرالمؤمنین(ع)، پناهنده شهری شده‌اند که امنیتش را ایرانی‌ها فراهم کرده‌اند. آن‌سوی بارگاه شاه مردان، قبرستان بزرگی است که روایت شده، تمام مؤمنان جهان روزی در آن خواهند آرمید، از



حضرت آدم که بابی از ابواب حرم امام‌علی(ع) به نام اوست تا شهدای جنگ‌های پی‌درپی سرزمین فرات. در این کوچه‌های شطرنجی اما کسی گم نمی‌شود، هیچ زائری به این شهر نمی‌آید، جز آنکه با میهمان‌نوازی خوب نجفی‌ها و سیدها روبه‌رو شود؛ مردمانی که فارغ از ملیت و مذهب، دوستدار ایرانی‌ها، هندوها، لبنانی‌ها، سوری‌ها، ترک‌ها و کردها بوده‌اند. اتحاد بزرگ مسلمانان به دور ضریح طلایی اولین امام شیعیان، درست در چنین روزی شکل می‌گیرد و تا سه روز پیوسته برقرار است تا صدای ملکوتی قرآن، صحن آینه‌کاری‌شده او را در شب‌های قدر، نوربارن کند.

ادامه از صفحه ۷

پادزهر آسیب‌های اخلاقی

نمونه‌های زاهدانِ آلوده‌دامن هرگز نادر نبوده و نیستند و در تاریخ ادبیات از آنها به فراوانی یاد شده است. اگر تقوا صرفا پرهیز نیست، پس چیست و چه کارکردی دارد که طبق وعده خدا باید نتایجی آن‌چنانی به بار آورد؟ تقوا حفاظت از خویشتن است در برابر آسیب‌های اخلاقی؛ به عبارت دیگر، تقوا شخص را در برابر ابتلا به فساد، گناه و دیگر انواع آسیب‌ها و بیماری‌های فکری و روحی و اخلاقی ایمن می‌کند.

عمل نیک اخلاقی و تولید ارزش‌های سودمند برای خود و دیگر انسان‌ها، در واقع «پادزهر» و «پادتن» بیماری‌ها و آسیب‌های اخلاقی و وسوسه‌های ارتکاب گناه و مصیبت‌اند. به‌همین‌خاطر قرآن میان تقوا و نیکوکاری، تلازم برقرار کرده است و آن نوع نیکوکاری که انسان را در برابر آلوده‌شدن به فساد، خیانت، جنایت، دزدی، دروغ، فریبکاری، ظلم، تجاوز و خشونت نسبت به دیگر انسان‌ها، حفاظت می‌کند به گفته قرآن، فقط حاصل چرخاندن سر به سوی مشرق و مغرب و این قبله یا آن قبله نیست، بلکه همراه با ایمان، تولید و بخشش ارزش‌های پایه زندگی مادی و معنوی مردم است؛ بلکه کمک به یتیمان و بینوایان، ازراه‌ماندگان و آزادی اسیران است که در عصر بعثت از مظاهر برجسته و شایع فقر و ستم و فساد و تجاوز و استثمار و زورگویی و استبداد بودند، و هم امروز هم به همان صورت یا در اشکال متفاوتی در جوامع بشری مشاهده می‌شوند (بقره/ ۱۷۷) در این آیه بر دو عمل مثبت و ایمنی‌بخش، یکی انفاق و بخشش به نیازمندان برای پرکردن خلأهای موجود و دیگری، آزادی اسیران تأکید شده است. اقدام عملی دیگری که به کسب تقوا و ایمنی می‌انجامد، توزیع عادلانه ثروت‌ها میان همه مردم جامعه، به‌ویژه نیازمندان و قشرهای آسیب‌دیده و ممانعت از انباشت آنها و گردش در دست‌های گروهی اندک از ارباب قدرت (حشر/۷) است.

اقدام بعدی، ایستادگی برای اجرای قسط و عدالت در جامعه است؛ هرچند برضد نزدیکان خودِ فرد یا خویشان و نزدیکان او انجام شود (نساء/ ۱۳۵)؛ کاری بس دشوار که به‌ندرت صاحبان ثروت و سرمایه و قدرت، به آن تن می‌دهند. شهادت و حکم به عدل و حق از مظاهر تقوا هستند و درعین‌حال به ایجاد ایمنی و تقوا در برابر انحراف‌های اخلاقی، کمک می‌کنند. قاضی هنگام داوری یا شاهدی هنگام شهادت در دادگاه، در بیان حقیقت و دادن شهادت و رأی به حق و عدل درباره فرد یا جمعی که با آنها در اختلاف و دشمنی‌اند، مردد می‌شوند، اگر بر تمایلات نفسانی خود غالب آمده، احساسات و عواطف خصمانه را از خود دور نگاه دارند و اجازه ندهند وجدان آنها آلوده شود و تحت تأثیر قرار گرفته از حق منحرف شوند، این مجاهدت اخلاقی و نفسانی، پدیدآورنده سپر ایمنی یا تقوایی هستند که این همه بر اهمیت آن تأکید شده است. (مائده/۸)

کوشش درونی که با تولید ارزش‌های حق‌خواهی، عدالت‌جویی، مهربانی و خیرخواهی در منش و وجدان فرد از سلامت اخلاقی وی دفاع می‌کند.

زمانی که شیطان درون شخص را از فقیرشدن می‌ترساند و وقتی این ترس بر قربانی غلبه کرد، برای رهایی از آن و ممانعت از فقیرشدن از انفاق و بخشش پرهیز می‌دهد و برای تأمین امنیت بیشتر مادی و دورکردن سایه فقر در آینده، به فشار و خیانت در اموال عمومی و بهره‌کشی از محرومان و کلاهبرداری و...، ترغیب می‌نماید. (بقره/ ۲۶۸) ترس از فقیرشدن فی‌نفسه مذموم نیست و برعکس مثبت است؛ همان‌گونه که ترس از بیمارشدن یا ارتکاب گناه و جرم و جنایت را باید مثبت و سودمند تلقی کرد؛ اما غلبه بر ترس به دو شیوه ممکن است؛ یکی، راهی به ظاهر آسان است که شیطان توصیه می‌کند و نیازی به کار کردن و تحمل زحمت و رنج ندارد؛ یعنی روی‌آوردن به غارت و دزدی و تجاوز به اموال عمومی و به‌خدمت‌گرفتن دیگران و بهره‌کشی از دولت‌ها یا اِعمال خشونت است. در عصر بعثت توصیه‌های شیطانی به خوردن اموال یتیمان، بیوه‌زنان و مردم، با جنگ و غارت دیگران تجلی داشت. اما شیوه دوم غلبه بر ترس از فقر و بیکاری، تلاش برای تولید بیشتر مایحتاج عمومی، توسعه علمی و حتی توزیع عادلانه ارزش‌ها و دادن فرصت‌هایی برابر برای فعالیت سالم و مولد به همه مردم و برداشت موانع دسترسی آنها به نیازمندی‌های اساسی برای کار و زندگی است. درگیرشدن در این نوع فعالیت‌ها به کسب تقوا، یعنی ایمنی در برابر گناه و فساد می‌انجامد. به عبارت دیگر، تقوای الهی (تقوی‌الله) نیست، مگر پناه‌گرفتن پشت ارزش‌ها و صفات خدا که در صدر همه آنها آفرینش و زنده‌کردن ارزش‌ها، روزی‌دادن، رشد و اعتلا و آزادی‌بخشیدن، هدایت کردن و عدالت ورزیدن و بازهم عدالت ورزیدن است. آثار عینی اخلاقی، اجتماعی، مادی و معنوی مترتب بر تقوا، معیارهایی‌اند که با آنها می‌توان وضعیت خود و جامعه را از نظر بحران بهره‌مندی از تقوا و داشتن زیست مؤمنانه و ایمان حقیقی، بررسی و ارزشیابی کرد؛ به گواهی قرآن و واقعیت‌ها، صِرف روزه‌داری و انجام تکالیف عبادی و رنگ‌آمیزی و نقش‌ونگار نمادهای مذهبی و شعارهای اخلاقی بر درودیوار شهر، نمی‌توانند سبب افزایش ایمان و تقوا در روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و عاطفی درون جامعه شوند. میان کسب درآمد از راه دلالی و دزدی و غارت، به‌جای تولید درآمد و ارزش از راه کار مفید مولد و معطوف به خیر عمومی، با رواج تبعیض و فقر و بیکاری و انواعی از آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی، نظیر فحشا و ارتشا و دروغ، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. هر اندازه جامعه از نظر ارزش‌های مادی و معنوی و انسانی کمتر مولد باشد، بیشتر در معرض فساد و آلودگی به گناه و ستم و جرم و جنایت است؛ پس می‌توان به‌جای حرف‌زدن جامعه را به‌سوی تولید نیاز مادی، عاطفی، مفهومی و فکری هدایت کرد؛ کار، مهربانی، عشق، عدالت و احترام به آزادی و حقوق انسانی را در همه سطوح نهادینه کرد و آن‌گاه مطمئن بود که آن جامعه در سطح بالایی از ایمنی در برابر آسیب‌های اخلاقی و گناه قرار گرفته است.